فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و دوم. تابستان ۱۳۹۸، صص۳۸-۳۱ Vol 3. No 32. 2019, p 31-38
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

جرم سیاسی در حقوق عمومی و حقوق کیفری

رضا مسافر
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

زندگی افراد در اجتماع می طلبد که دارای حقوق و تکالیفی باشد بی شک هر چه آن اجتماع پیشرفته تر باشد تنوع حقوق آنها نیز بیشتر خواهد بود، از طرفی هرچه تنوع بیشتر باشد یک در هم پیچیدگی در عرصه حقوق آنها ایجاد خواهد شد که در بسیاری از موارد مشکل ساز خواهند شد. یکی از این مشکلاتی که ناشی از تنوع حقوق و پیشرفت تکنولوژی می‌باشد این است که افرادی به نام آزادی های عمومی مصرح در قانون اساسی خود اقدام به انتقادهایی از طریق رسانه های مختلف می‌کنند که واقعا سازنده نیست یا رفتاری از جانب آنها سر می زند که مخالف با نظم عمومی و یا اخلاق حسنه آن کشور می باشد وجود این انتقادها و یارفتار از زمانهای قدیم و در حکومت های مختلف وجود داشت امروزه این موارد را در قالب جرایم علیه نظام، حکومت و امثالهم جای می دهند و در اکثر موارد هم تحت عنوان جرایم سیاسی از آنها یاد می شود. در یک اجتماع ملت باید با حقوق اساسی خود به صورت کامل آشنا باشند و بعضا این آشنایی بیش از حد باعث ایجاد تفاسیر متفاوتی از حقوق و آزادی های آنان خواهد شد که نهایتا توسط حاکم و یا قانونگذار به آنها عنوان مجرم سیاسی داده خواهد شد. هر چند که تعریف مشخصی از این جرم در کشور ما وجود نداشت اما اخیرا و در اواخر عمر مجلس نهم قانونگذار اقدام به قانونگذاری در این عرصه و رفع ابهاماتی در این عرصه کرده است.

واژه‌های کلیدی: جرم سیاسی، حقوق عمومی، حقوق کیفری

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

پس از تحولات تجددخواهانه در ایران در زمان امضای فرمان مشروطه و با تصویب متمم قانون اساسی عبارت «تقصیر سیاسی» که بعدها در ادبیات حقوقی ایران به «جرم سیاسی» تغییر یافت وارد نظام حقوقی درحالِ تغییر و تحول کشور گردید. اصطلاحی ترجمه شده از ادبیات سیاسی ـ حقوقیِ غربی که مانند سایر اصطلاحات پخته و ناپختهٔ دنیای مدرن و بدون بومی‌سازی با فرهنگ مشروعه قانون اساسی مشروطه حتی بدون تعریفی گرته‌برداری شده، از خاستگاه اصلی خود، وارد نظام حقوقی ما شد. عبارتی که امروز پس از گذشت صد سال نتوانسته است افراد مشمول دایره خود را مشخص کرده و به‌عنوان ترمی حقوقی جای خود را در نظام قضایی ایران مستقر سازد (محبی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۹، صفحه ۵-۵۵). بی‌شک مشخص نبودن تعریف جرم سیاسی مشکلات بسیاری را برای سیستم قضایی و مملکت ایجاد خواهد کرد و از طرفی افراد سیاسی به راحتی نمی‌توانند حرف‌های خود را بیان کنند، آزادی بیان به عنوان یکی از بنیادی ترین حقوق افراد همیشه مورد توجه قانونگذاران بوده است این آزادی از بدو خلقت به بشر به صورت خدادادی داده شده است آنچه در جوامع امروزی در جدال میان حاکمان و منتقدان مطالبه مردم است آزادی پس از بیان می‌باشد که اگی نوع گفتار و نوع رفتار فردی همسو با جهات نظام باشد او را در موارد حاد مجرم سیاسی تلقی می‌کنند و و همسو بودن نیز توسط حاکمان و مقنن تفسیر و تعریف می‌شود. در این نگارش دلایل نبود چنین تفاسیری و چنین قانونی در عرصه جرایم سیاسی مورد توجه نگارنده می‌باشد.

حقوق عمومی

حقوق عمومی قواعد مربوط به سازمان دولت و طرز عمل آن و مقررات مربوط به سازمان‌های دولتی و به طور کلی روابط بین مردم و دولت را تنظیم می‌کند. بررسی روابط دولت و سازمان‌های وابسته به آن و مامورین آن‌ها با افراد جامعه در قلمرو این علم است. معمولا مهمترین مقررات حقوق عمومی هر کشور در قانون اساسی آن کشور بیان می‌شود (البته ممکن است قانون اساسی کشوری مدون یا گاهی هم غیرمدون باشد). اهداف عمده حقوق عمومی عبارتند از:

۱- تهیه و ارائه خدمات عمومی در جهت منافع عمومی.

۲- برقراری امنیت و نظم عمومی.

۳- تنظیم روابط فرد با دولت و دولت با فرد (که در این زمینه حقوق عمومی از حقوق مدنی جدا می‌شود).

۴- مهار و کنترل قدرت دولت یا حاکمیت و برقراری حکومت قانون و یا همان قانون مداری.

۵- اعلام و حفظ و حمایت حقوق طبیعی فرد و حقوق سیاسی شهروندان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حقوق کیفری

حقوق کیفری شاخه‌ای از حقوق عمومی است که به انواع جرائم و چگونگی مجازات آن‌ها می‌پردازد، در این شاخه از حقوق برای تهیه و تدوین قوانین جزایی و اجرای آن‌ها استفاده از دستاوردهای جرم‌شناسی و جامعه شناسی ضروری است.

مفهوم جرم سیاسی و پروسه ایجاد آن

جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور باشد (صانعی، ۱۳۷۲، جلد اول، ص۳۸۹). به عقیده اکثر اندیشمندان مفهوم جرم سیاسی، برگرفته از نظام‌های حقوقی غربی است. مطابق آنچه که در این سیستم‌های حقوقی مطرح است، از آنجا که انگیزه مجرم سیاسی از ارتکاب فعل مجرمانه، منفعت شخصی نبوده، مجرمی قابل احترام تلقی شده و لذا مستحق تخفیف در اِعمال مجازات است و از آنجا که مجرم سیاسی از ارتکاب جرم، منفعت شخصی نبرده و نتایج حاصل از ارتکاب جرم سیاسی، شامل عموم مردم می‌شود نسبت به سایر جرایم متمایز است. جرایم سیاسی از دوران‌های بسیار قدیم تحت عناوین مختلفی مثل جرایم علیه شاه، خیانت به مملکت، فرار از مقابل دشمن و. . . جرم‌انگاری شده بودند)در این زمان پادشاه و اطرافیان او خود مملکت محسوب می‌شدند و اقدام علیه آنها خیانت به وطن محسوب و تحت عنوان جرم سیاسی در دادگاه‌های اختصاصی مورد رسیدگی واقع و مجرمین به شدت سرکوب می‌گردیدند (افراسیابی، ۱۳۷۶، ص۳۴۱). شدت برخورد با چنین مجرمینی در حدی بسیار زیادی بود به گونه ای که در اکثر موارد سلب حیات مجازات مرسوم این گونه از مجرمین تلقی می شد. اما بالاخره از سال‌های ۱۸۲۰ به بعد ارزیابی مردم نسبت به مجرمین سیاسی به کلی تغییر یافت. گسترش افکار آزادی خواهانه که از قرن هجدهم افزایش یافته بود، انقلاب‌های سیاسی پی‌درپی مخصوصا در کشور فرانسه و به خصوص هدف و انگیزه مجرمین سیاسی که در این سال‌ها اکثرا به دنبال وصول آرمان‌های عالی، وفاداری به اصول انسانی، اعتقاد به فداکاری و بالاخره عصیان ناشی از شرافت و تقوی بود، مهم‌ترین عوامل این تغییر نگرش محسوب می‌گردد.

جرم سیاسی در ایران نیز پس از ظهور اسلام در ایران و گرویدن مردم به این دین هرچند در فرهنگ مردم ایران تغییرات عمده‌ای انجام شد، و احکام اسلامی بین عموم مردم نهادینه شد، لکن تا زمان صفویه، ابتدا خلفای عباسی و سپس سلسله‌های پادشاهی بدون توجه به احکام جزایی اسلام، مجرمین جرائم مختلف را مجازات می‌کردند. در زمان صفویه و با روی کارآمدن حکومت شیعه مذهب پادشاه که ولایتش را از فقها اخذ می‌نمود، قضاوت و رسیدگی به جرائم را به‌دست ایشان سپرده بود. در زمان قاجار تا زمان ناصرالدین‌شاه، مخالفت با مجموعهٔ دربار با اعمال وحشیانه‌ای ازجمله مجازات همه خانواده روبرو می‌شد (کرمانی. ۱۳۵۷، ص۴۴۲). پس از ناصرالدین‌شاه نیز با تصویب قوانین جزایی بعد از مشروطه کتابچه قانونی کنت، که با امضای ناصرالدین‌شاه به مرحله اجرا در آمده بود، حاوی برخی جرائم سیاسی از قبیل پخش

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اعلامیه علیه پادشاه، با پنج سال مجازات حبس مواجه می‌گردید. پس از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی با مجرمین سیاسی برخورد شدیدتری صورت می‌گرفت. در نظر گرفتن گسترده مجازات اعدام، تسری صلاحیت دادگاه‌های نظامی به جرائم سیاسی، ضابط بودن سازمان اطلاعات و امنیت در خصوص جرائم سیاسی، غیرعلنی بودن دادرسی این جرائم، عدم امکان استفاده از وکلای غیرنظامی از نمودهای تشدید اقدامات علیه مجرمین سیاسی قبل از پیروزی انقلاب بود (پیوندی، ۱۳۸۲، ص۶۹). این در حالی بود که بر اساس اصل هفتادونهم قانون اساسی متمم قانون اساسی مشروطه- بدون وجود مشکل در تعریف جرائم سیاسی و انطباق آن با موازین اسلامی- جرائم سیاسی باید در حضور هیئت منصفه انجام می‌شد. و اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون‌گذار اساسی بر اساس اصل یکصدوشصت‌وهشتم تکلیفی تعین و تعریف جرم سیاسی بر اساس موازین اسلامی را بر عهده قانون‌گذار عادی گذاشت.

انواع و ضابطه تشخیص جرایم سیاسی

جرائم سیاسی را براساس التزام یا عدم التزام به بنیان‌های نظام سیاسی به دو دسته جرائم سیاسی درون سیستمی و جرائم سیاسی برون سیستمی تقسیم کرد. جرائم سیاسی درون سیستمی مجموعه جرائمی هستند که مرتکب بدون آنکه قصد ضربه زدن به اصول اصلی نظام سیاسی حاکم را داشته باشد، به نقد عملکرد سران حکومت با توسل به رسانه های جمعی مانند تلوزیون، رادیو، روزنامه، شبکه های اجتماعی و. . . یا کسب حفظ قدرت سیاسی پرداخته و در این مسیر مرتکب یکی از جرائم عمومی می گردد. این افراد علی رغم پذیرش ساختارها و شاکله اصلی قانون اساسی برخی اوقات معتقد هستند بهتر است اصلاحاتی در قانون اساسی برای پیشبرد بهتر امور صورت پذیرد. و اما در مقابل جرائم برون سیستمی جرائمی هستند که در آنها مرتکب با انگیزه واژگونی نظام سیاسی یا به قصد ضربه‌زدن به ارکان اصلی سیستم سیاسی حاکم هر یک از جرائم عمومی را مرتکب می‌شود. به این جرائم، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور نیز گفته می‌شود، پس منطقی نیست که حکومت از کسانی حمایت کند که متعرض تمامیت و موجودیت نظام می‌گردند و اسقاط نظام را طالب هستند.

در نظام کیفری کشور ما ضابطه قانونی که بتوان به کمک آن جرایم سیاسی را از جرایم عمومی تشخیص داد وجود ندارد و وعده اصل ۱۶۸ قانون اساسی مبنی بر تعریف جرم سیاسی به موجب قانون عادی، تا به امروز تحقق نیافته است. از سوی دیگر هیچ یک از نهادهای حقوق جزا مثل نوع و میزان مجازات مقرر، یا صلاحیت دادگاه‌های رسیدگی کننده به این جرم تفاوتی را که در این زمینه راه‌گشا باشد آشکار نمی‌کند و رویه قضایی نیز تاکنون کمکی در این راه نکرده است؛ بنابراین آنچه می‌ماند آراء و نظریاتی است که علمای حقوق و جرم‌شناس در فهم ماهیت جرم سیاسی ابراز کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۱).

در دوران محکومیت شیوه برخورد با بزهکاران سیاسی عموما با بزهکاران عادی متفاوت است. برای مثال زندانیان سیاسی را نمی‌توان به هیچ وجه به کار واداشت یا به پوشیدن لباس زندان مؤظف نمود یا از خوردن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

غذای مورد علاقه خود که از خارج زندان تهیه می‌شود محروم کرد. زندانیان سیاسی روی هم رفته در طول دوران محکومیت از امتیازاتی مانند دسترسی به کتاب و روزنامه و ملاقات‌های روزانه برخوردارند که در حق محکومان عادی معمول نیست (همان، ص۲۶۹). اما قبل از محکومیت و بررسی جرم شخص سیاسی برخی اصول باید رعایت شوند که به صراحت در قانون اساسی به آن اشاره شده است و به موجب اصل ۱۶۸ ق. ا. رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند. در این اصل مقرر گردیده که جرم سیاسی باید بر اساس قانون و مطابق با موازین اسلامی تعریف گردد. این اصل برای تعریف جرم سیاسی دو ضابطه شکلی و ماهوی را تعیین کرده است. ضابطه شکلی به این معناست که تعریف جرم سیاسی باید به موجب قانون باشد و در نتیجه تشخیص قضات یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس قوه مجریه و یا هر شخص و مرجع دیگری ملاک تعیین جرائم سیاسی نیست. و بر اساس ضابطه ماهوی تعریف جرم سیاسی بایستی براساس موازین اسلامی باشد. وجود هیأت منصفه در رابطه با جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه از مواردی است که موجب مغایرت تعریف جرائم سیاسی با موازین اسلامی است. همچنین بر طبق این اصل مجرمین سیاسی دارای امتیازاتی نسبت به سایر مجرمین هستند که از جمله آنها حضور هیأت منصفه در محاکم است. حضور هیأت منصفه که از آحاد مردم انتخاب شده‌اندو فقط به این دو سوال جواب می دهدکه آیا متهم گناهکار است یا خیر؟ و درصورت بزهکار بودن آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر؟ افراسیابی، پیشین، ص ۳۴۹). باعث می‌شود تا داوری درباره موضوع جرم که به عهده عموم مردم نهاده شده است قاضی دادگاه را از یک‌سو نگری درباره قضایایی که بخشی از آن به حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم برمی‌گردد باز دارد. به علاوه با توجه به اینکه رأی دادگاه در این قبیل دادرسی‌ها عمدتا قوت و وجاهت خود را از تأیید نظرات عموم مردم کسب می‌کند، پس برای آنکه نظام عدالت کیفری به نقض بی‌طرفی متهم نشود مشارکت مردم در امر قضا مفید خواهد بود (اردبیلی، پیشین، ص۳۴۹).

یکی دیگر از امتیازاتی که مجرمین سیاسی نسبت به سایر مجرمین دارند علنی بودن رسیدگی جرایم آنهاست علنی بودن یکی ازتضمین‌هایی است که برای حفظ حقوق متهم سیاسی و مطبوعاتی پیش‌بینی شده است. جرایم سیاسی و مطبوعاتی عبارتند از مواردی که در قانون مطبوعات و سایر قوانین عادی جرم شمرده شده و مطبوعات و مدیر مسؤول یا صاحب امتیاز مرتکب می‌شود (مرتضوی، ۴۱، ۱۳۸۳) و مهم ترین این جرایم که در دو قلمرو حقوق فردی و نظم و امنیت عمومی ارتکاب می یابند عبارتند از:

الف) جرایم مطبوعاتی در قلمرو حقوق فردی

توهین به اشخاص، افتراء، نشر اکاذیب، سرقت ادبی، تقلید نام یا علامت نشریه دیگر، تهدید به وسیله مطبوعات، افشای اسرار شخصی

ب) جرایم مطبوعاتی در قلمرو نظم و امنیت عمومی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

انتشار اسناد محرمانه و سری دولتی و نظام، انتشار مذاکرات جلسات غیر علنی محاکم دادگستری و مجلس شورای اسلامی، انتشار تحقیقات مراجع قضایی، توهین به مقامات و مقدسات، تحریک به جرایم علیه امنیت، تبلیغ علیه جمهوری اسلامی، انتشار نشریه بدون پروانه، انتشار مصوبات شورای عالی امنیت ملی، انتشار مطالب علیه قانون اساسی، انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی، پخش شایعات، دریافت کمک های خارجی و واگذاری امتیاز نشریه.

اصل علنی بودن محاکمات یکی از اصول پذیرفته شده در خصوص دادرسی‌های کیفری و مدنی در حقوق هر کشوری است که فواید مهمی را به دنبال دارد از جمله کنترل قاضی از طریق نظارت همگانی، دور نگهداشتن دستگاه قضا از مظان اتهام و پیش داوری، جلب اعتماد مردم و. . . . در اصل ۱۶۸ ق. ا مقرر داشته رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است؛ اما به نظر می رسد پذیرش این اصل به نحو مطلق، منطقی نیست زیرا در برخی پرونده ها، مصالح افراد یا کشور، غیر علنی بودن این گونه محاکمات را ایجاب می‌کند (معاونت آموزش قوه قضائیه؛ بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، ۱۳۸۷، ۱۰۳). منظور از علنی بودن محاکمات این است که مردم و نمایندگان و وسایل ارتباط جمعی (روزنامه، رادیو و تلویزیون) بتوانند در دادرسی شرکت و جریان دادرسی را از نزدیک دنبال نمایند و مطبوعات نیز آنها را انتشار دهند. نظارت افکار عمومی بر جریان دادرسی باعث می‌شود که اجرای صحیح قوانین و بی‌طرفی دادرسان تا حدی تضمین شود (افراسیابی، پیشین، ص ۳۴۹). از دیگر امتیازات رسیدگی به جرایم سیاسی انحصاری بودن صلاحیت دادگاه‌های دادگستری بر رسیدگی است. در قانون مجازات عمومی سابق تعریفی از جرم سیاسی نشده بود و در عمل نیز هیچ جرمی سیاسی محسوب نمی‌شد و به خصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی که ماهیتا سیاسی هستند در دادگاه‌های نظامی مورد رسیدگی قرارمی‌گرفتند اما با توجه به اصل ۱۶۸ ق. ا محاکمه جرایم سیاسی باید در محاکم دادگستری صورت بگیرد.

نتیجه‌گیری

افرادی به نام آزادی‌های عمومی مصرح در قانون اساسی خود اقدام به انتقادهایی از طریق رسانه‌های مختلف می‌کنند که واقعا سازنده نیست یا رفتاری از جانب آنها سر می‌زند که مخالف با نظم عمومی و یا اخلاق حسنه آن کشور می‌باشد این که بر اساس قانون مجازات اسلامی ما جرم را هر رفتاری تعریف کرده که ممکن است به صورت فعل یا ترک فعل باشد هر کدام از این رفتارها را چنانچه قانون برای آنها مجازات تعین کرده باشد جرم تلقی می شوند و بنا بر ماهیت آنها زیر مجموعه جرایم سیاسی می‌باشند هر چند که قانونگذار جدیدا جرم سیاسی را تعریف کرده است ولی سابقا بصورت عرفی برخورد می‌شد یا بر اساس تفاسیر مختلف اقدام می کردند. این جرایم از دوران‌های بسیار قدیم تحت عناوین مختلفی مثل جرایم علیه شاه، خیانت به مملکت، فرار از مقابل دشمن و. . . جرم‌انگاری شده بودند. امروزه می توان گفت جرم سیاسی عبارت است از جرمی که مرتکب بدون آن که قصد ضربه زدن به اصول و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

چارچوب‌های اصلی نظام و کشور خود را داشته باشد به نقد عملکرد حاکمان یا کسب یا حفظ قدرت سیاسی بپردازد. این جرایم را بر اساس التزام یا عدم التزام به بنیان‌های نظام سیاسی به دو دسته جرائم سیاسی درون سیستمی و جرائم سیاسی برون سیستمی تقسیم می‌کنند که هریک دارای مشخصه‌های مخصوصی می باشد. اما آنچه مسلم است مجازات مجرمین سیاسی بر خلاف زمان های قدیم که بسیار سنگین بود و به شدت و بدون تخفیف مجازات اعمال می‌شدند بنا بر دلایلی با عطوفت و اوج مدارا و تخفیف با آنها برخورد می شود و رویه پیش به سمتی در حال طی شدن است که این مجرمین دیگر مجازات نشوند و می‌توان گفت این طرز فکر ناشی از تفاسیری می‌باشد که از حقوق عمومی و آزادی‌های افراد که در قانون اساسی هر کشور و میثاق های حقوقی بین المللی صورت می‌گیرد. هدف و انگیزه مجرمین سیاسی که در این سال‌ها اکثرا به دنبال وصول آرمان‌های عالی، وفاداری به اصول انسانی، اعتقاد به فداکاری و بالاخره عصیان ناشی از شرافت و تقوی بود، مهم‌ترین عوامل این تغییر نگرش محسوب می‌گردد و می‌طلبد که نسبت به این افراد مجازاتی اعمال نشود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۴.

ـ افراسیابی، محمداسماعیل؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

ـ پیوندی، غلامرضا، جرم سیاسی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.

ـ صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ پنجم، جلد اول. ۱۳۷۲.

ـ کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۵۷.

ـ محبی، جلیل، بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشهای حقوق اساسی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۹، صفحه ۵-۵۵.

ـ مرتضوی، سعید؛ جرایم مطبوعاتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۴۱، ۱۳۸۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]